

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی

سعیده السادات موسوی احمدآبادی^۱

رضا بنی اسدی^۲

چکیده

یزد جلوه گاه فرهنگ و تمدنی اصیل با پیشینه درخشان در تمامی ادوار تاریخی بوده است. حفظ و نگهداری فرهنگ و سنن قدیمی همراه با پایبندی به ارزش های دینی، از خصوصیات بارز و قابل تمجید مردم این سرزمین است. این پژوهش پس از بازشناسی معنای فرهنگ، به بررسی ابعاد مختلف فرهنگ اجتماعی مردم یزد در زمان پهلوی دوم مانند انتخابات، طبقات اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، و مانند آنها پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می دهد برخی مؤلفه های وارد شده در فرهنگ اجتماعی مردم یزد اگرچه بر فرهنگ دینی مردم تأثیرات منفی گذاشت اما هرگز پیوند عمیق مردم یزد را با فرهنگ دینی قطع نکرد. این پژوهش که جمع آوری اطلاعات آن کتابخانه ای و روش پردازش آن توصیفی تحلیلی است درصدد است تا با بیان برخی از مهم ترین مؤلفه های اجتماعی شهر یزد در زمان پهلوی دوم، تأثیرگذاری آنها در فرهنگ دینی مردم شهر یزد را نشان دهد.

واژه های کلیدی: پهلوی دوم، عناصر فرهنگی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ اسلامی، یزد.

۱. دانش آموخته سطح ۳، رشته تاریخ اسلام، موسسه آموزش عالی حوزوی مرکز آموزش های غیر حضوری، قم، ایران.
mosavi0528@gmail.com

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول).
fatemi251@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ نوع مقاله: ترویجی

The state of the most important elements of the social culture of the people of Yazd in the second Pahlavi era and its effects on religious culture

Saeede sadat Mousavi Ahmadabadi ^۱

Reza Baniasadi ^۲

Abstract

Yazd has been a manifestation of original culture and civilization with a brilliant background in all historical periods. Preservation of old culture and traditions along with adherence to religious values is one of the salient and praiseworthy characteristics of the people of this land. After recognizing the meaning of culture, this research has investigated various aspects of the social culture of the people of Yazd during Pahlavi II, such as elections, social classes, means of mass communication, and the like. The results of the research show that some elements entered into the social culture of the people of Yazd, although they had negative effects on the religious culture of the people, but never severed the deep bond of the people of Yazd with the religious culture. This research, the collection of which information is library and the method of its processing is descriptive and analytical, aims to show some of the most important social factors of Yazd during the second Pahlavi period and show their impact on the religious culture of the people of Yazd.

Keywords: Second Pahlavi, cultural elements, social culture, Islamic culture, Yazd.

۱. Graduated level 3, Islamic history, seminary institute of higher education, non-attendance center, Qom, Iran.

۲. Associate Professor, Department of Islamic Knowledge, Faculty of Medicine, Yazd Shahid Sadoughi University of Medical Sciences , Yazd, Iran (Responsible author).

۱. مقدمه

فرهنگ، اساس و هویت‌دهنده و روح یک جامعه است و جامعه با اتکا به فرهنگ قوی، پویا و بالنده خود رشد کرده و مسیر تعالی را طی می‌کند. کشور ما در طول تاریخ چند هزارساله خود دارای فرهنگ و تمدنی درخشان و بی‌نظیر بوده است. با آغاز تهاجم استعمارگران اروپایی از دوران قاجار، ایران دچار آسیب‌های جدی فرهنگی شد. مظاهر فرهنگ غربی، ما را وادار به عقب‌نشینی کرد و فرهنگ سنتی ما وارد یک فرآیند تحمیلی فراموشی و زوال کارکردهای مثبت شد. این آسیب شامل تمام شهرهای ایران شد و شهر یزد هم از آن مستثنی نبود. بنابراین اگر فرهنگ هر شهری با توجه به شرایط و اقلیم خاص آن بررسی شود و عوامل تأثیرگذار در تغییر آن آسیب‌شناسی شود، می‌توان راهکارهایی برای حفظ و بازسازی فرهنگ و تمدن اصیل آن ارائه کرد.

فرهنگ، مفهومی گسترده است که شامل ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای موجود در جوامع بشری، دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادات‌های افراد در این گروه‌ها می‌شود. یکی از بالاترین و والاترین عناصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است که مبدأ خوشبختی و بدبختی هر ملتی است. هویت‌بخشی به یک ملت فقط از طریق بازخوانی، ترویج و تبلیغ ارزش‌های فرهنگی آن ملت امکان‌پذیر است. قدرت فرهنگی یک ملت به آحاد افراد یک ملت، روح نشاط و تعهد می‌دمد و باعث رشد و ارتقای سطح اراده و انگیزه آن ملت می‌شود. این مهم به گونه‌ای کامل، لازم و ملزوم و مکمل یکدیگرند؛ یعنی از یک طرف، قدرت فرهنگی وابسته به نهادهای فرهنگ و مواد فرهنگی یک ملت است و از سویی دیگر، فرهنگ قوی و مبتنی بر آموزه‌های دینی و استوار بر پایه‌های آداب و سنن ملی میهنی یک جامعه، بدون شک، موجب افزایش قدرت فرهنگی می‌شود. این بدان معناست که شناخت، ترویج، انسجام، اتحاد، رشدیافتگی و کارآیی مواد و عناصر فرهنگی

قوام و استحکام قابل وصفی به قدرت فرهنگی می‌دهد و این مهم با توسعه فرهنگی در ارتباط است. فرهنگ ایرانیان از دیرباز مورد توجه همگان قرار گرفته است؛ فرهنگی غنی که علاوه بر تأثیر گرفتن از فرهنگ‌ها و ادیان مختلف، همچنان اصالت خود را حفظ کرده است.

شهرهای مختلف ایران هر کدام دارای فرهنگ خاص خود هستند؛ شهر یزد نیز مانند بسیاری از شهرهای ایران، دارای مردمانی سخت‌کوش و قانع با فرهنگ بومی خاص خود بوده و همواره از شهرهای مذهبی و سنتی ایران به شمار می‌رفته است. شهر یزد جزء سالم‌ترین و ماندگارترین شهرهای تاریخی ایران با فرهنگی مانا است. به‌رغم آمد و شد مهاجرین و نیز چرخش فرمانروایان، سلسله‌ها و حکومت‌ها در طول تاریخ پرفراز و نشیب ایران، شهر یزد کمتر دست‌خوش دگرگونی شده است و این فرهنگ، صدها سال است که سینه‌به‌سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل و حفظ شده است. درباره فرهنگ شهر یزد پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است. کتاب «یزد؛ نگین کویر» از محمد زمانیان به بررسی پیشینه تاریخی، موقعیت جغرافیایی، بناها و اماکن مذهبی یزد پرداخته است و ابعاد دیگر فرهنگی بررسی نشده است. پایان‌نامه «تحولات سیاسی اجتماعی فرهنگی یزد در سال ۱۳۲۰-۱۳۳۲» از فاطمه عطاران، به مسائل فرهنگی یزد در سال‌های اولیه حکومت پهلوی دوم پرداخته و عصر پهلوی دوم را به‌طور کامل تبیین نکرده است. مقاله «موقوفات زنان یزد از عصر پهلوی تا عصر حاضر» اثر زهره چراغی و صفا زارع سنگدرازی، به بررسی موقوفات زنان در یزد پرداخته است و به‌طور جزئی قسمتی از فرهنگ دینی وقف را تبیین کرده است. مقاله «هنر دیوارنگاری شهر یزد و بررسی رویکردهای متفاوت آن» از آصفه میرنیام و حسام اصلانی، بُعد فرهنگ در بخش هنر و معماری یزد را مورد بررسی قرار داده و ابعاد دیگر فرهنگ را بررسی نکرده است. یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط، کتاب «انقلاب اسلامی در یزد» تألیف عابدی اردکانی است. در جلد اول از مجموعه «انقلاب اسلامی در یزد» نقش و جایگاه این شهر در انقلاب اسلامی تحلیل و نحوه حضور در صحنه و

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۰۷

مبارزه اقشار مختلف مردم از جمله روحانی، معلم، کاسب، تاجر، دانشجو، کارگر و مانند آن بر ضد حکومت پهلوی بیان شده است. نگارنده در کتاب، نخست به بررسی اوضاع شهر یزد از زمان مشروطه تا پهلوی از بُعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پرداخته و سپس نحوه و چگونگی مبارزه مردم این شهر را در دوره نهضت امام خمینی (۱۳۴۰-۱۳۵۰) بررسی کرده است. جلد دوم از مجموعه «انقلاب اسلامی یزد» به تحولات انقلاب در شهر یزد از آبان ماه ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۶۱ اختصاص دارد. از جمله مباحث مندرج در کتاب می‌توان به واکنش مردم یزد نسبت به شهادت حاج آقا مصطفی خمینی، بازتاب مقاله رشیدی مطلق در یزد، اعتصابات کارگری و کارمندی در آنجا، تظاهرات مردمی شهر یزد، واکنش مردم یزد در هنگام شروع جنگ تحمیلی، فعالیت گروه‌های حجتیه، فرقان و مارکسیست‌ها در آن شهر، و شهادت آیت‌الله صدوقی اشاره کرد. در مجموع در بخش‌هایی از کتاب دوجلدی مذکور به مطالبی درباره موضوع این مقاله اشاره شده است.

پژوهش حاضر به فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم پرداخته است. این شهر در دوره پهلوی دوم دچار تغییر و تحولاتی در فرهنگ اجتماعی شد. اقدامات رژیم پهلوی دوم در راستای تغییر فرهنگ سنتی و دینی شهر یزد و به اصطلاح مدرن‌سازی فرهنگ یزد بود. رژیم پهلوی دوم کوشید در راستای سیاست‌های فرهنگی خود، تغییراتی را در فرهنگ سنتی و اجتماعی مردم یزد ایجاد کند. ساخت مدارس جدید و دانشگاه، تأسیس کتابخانه و اماکن عمومی، سینما و تئاتر، هنر جدید، توسعه رادیو و تلویزیون، مطبوعات، چاپ کتاب، کانون‌های پرورش افکار، فعالیت حزب رستاخیز، حمایت از فرق انحرافی مانند بهائیت، و حمایت از زرتشتیان با این هدف صورت گرفته است. البته برخی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی از دوران قبل از پهلوی دوم وجود داشته که در زمان او نیز ادامه پیدا کرد.

۲. مؤلفه‌های فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم

مؤلفه‌های فراوانی در فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی وجود داشته که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱-۲. انتخابات

در زمان قاجار به‌ویژه اواخر آن، حاکمان یزد، حاکمان زورگو و نالایقی بودند. در زمینه تجارت نیز به‌دلیل ناامنی راه‌ها در بیشتر مواقع مال‌التجاره تجار به غارت می‌رفت. با وجود این نارضایتی‌ها، مردم یزد از تغییر حکومت استقبال می‌کردند. سیدضیاءالدین طباطبایی پس از به قدرت رسیدن، تشکیل کابینه داد و دستور داد افراد نالایق را برکنار کنند و در راستای بهبود وضعیت مالیات‌ها تلاش کرد (گلشن یزدی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). او به‌محض تشکیل کابینه برای اینکه نشان دهد با اسلام و ایران مشکلی ندارد و با بیگانگان در ارتباط نیست طی حکمی اعلام کرد که هیچ فرد یا اداره و مغازه حق ندارد از اسامی خارجی استفاده کند. به دستور او تابلوی تمام مغازه‌هایی که اسم خارجی داشتند، پایین آورده شد. به‌رغم اصلاحات رضاشاه در زمینه‌های مختلف، حاکمیت استبدادی و اطاعت جامعه از وی درخور توجه و چشم‌گیر بود؛ حتی پس از برگزاری انتخابات مجلس، منتخبین از سوی مرکز بودند، به‌طوری‌که در یزد طی چندین سال تنها سه نفر نماینده یزد بودند و هیچ‌کس حق هیچ‌گونه اعتراضی نداشت (همان: ۳۱۰). در آن زمان، انتخابات مجلس آزاد نبود و اصولاً از مردم به‌صورت نمایشی رأی‌گیری می‌شد. کسانی انتخاب می‌شدند که قبلاً از مرکز مشخص شده بودند. (انتظاری، ۱۴۰۰، مصاحبه شخصی). در یزد نمایندگی مجلس در دست آقایان سید کاظم جلیلی، دکتر هادی طاهری و آقای محمدحسین نواب بود و هیچ‌کس حق اعتراض نداشت. از دوره پنجم مجلس شورای ملی تا تبعید رضاشاه و آمدن محمدرضا شاه جریان امر به همین شکل بود. این سه نفر در رأس کار بودند، به همین دلیل مردم به این سه نفر خیلی احترام می‌گذاشتند؛ چون عموماً آن زمان همه‌چیز تقریباً محصور در دستان این سه نفر یا اطرافیان و دست‌نشانده‌گان آنها بود، به‌ویژه مناصب مهم دولتی از

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی.....۴۰۹

خانواده آقای طاهری، احمد طاهری پسرعموی دکتر طاهری، رئیس دبیرستان ایرانشهر یا دکتر طاهری پسرعموی ایشان رئیس بهداری یزد بود. حتی زمان گرفتن سجل احوال در انتخاب فامیلی این سه فرد خیلی اهمیت داشتند. عده زیادی از مردم فامیل میرجلیلی می گرفتند تا وابسته به آقای سید کاظم و سیدجلیل باشند یا طاهری، طاهری زاده و مانند آن (گلشن یزدی، ۱۳۸۴: ۳۱۳-۳۱۴). بنابراین مردم متدین یزد نمی توانستند خواسته های دینی خود را از طریق نمایندگان مجلس دنبال کنند و به طور طبیعی گماشتگان حکومت مرکزی که با فرهنگ دینی در تضاد بود در جهت تخریب فرهنگ اسلامی گام برمی داشتند.

۲-۲. طبقات اجتماعی

خطه یزد به دلیل موقعیت اقلیمی، کمبود منابع آبی و زمینه مستعد کشاورزی، منطقه ای شهرنشین بود. اکثر مردم با مشاغل شهری امرارمعاش می کردند به جز طبقه ممتاز که شامل روحانیون، تجار، تحصیل کردگان و کارمندان دولت بودند، عامه مردم به کارهای خدماتی مشغول بودند.

۲-۲-۱. روحانیان

مقایسه دوره محمدرضا پهلوی با دوره حکومت پدرش نشان می دهد که در زمان حکومت او روحانیون از آزادی بیشتری برخوردار بودند. طلاب علوم دینی وضع بهتری داشتند. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و رفتن رضاشاه پسر جوانش محمدرضاشاه به قدرت رسید شاه جوان روش پدرش را عوض کرد او به دیدار مراجع دینی رفت و رابطه خوبی با آنان برقرار کرد. در این دوره که آزادی هایی در مملکت برقرار شد مردم فرصت دوباره برای احیای سنت های ازدست رفته خود داشتند. آیت الله بروجردی که زمام امور شیعیان را در دست داشت با شاه رابطه خوبی داشت و تندروهای مذهبی را از دخالت در سیاست منع می کرد و رابطه دولت و مذهب حسنه بود (بصیرت منش، ۱۳۸۶: ۱۲۳). این آزادی نسبی سبب شده بود تا مجالس مذهبی و روضه خوانی بیشتر برگزار شود. روحانیون مانند دوره های قبل، قشری مهم و تأثیرگذار در حوادث این دوره یزد بودند. آقایان شیخ غلامرضا یزدی معروف به «فقیه خراسانی»، سیدعلی محمد وزیری یزدی

و محمد صدوقی از روحانیون معروف یزد در این دوره بودند. در دوره جنگ و قحطی این قشر در کنار مردم بودند و به آنها کمک می کردند (گلشن یزدی، ۱۳۸۴: ۸۸). با این حال ورود جدی روحانیان در امور سیاسی با محدودیت های اساسی مواجه بود، چنان که به گواهی اسناد تاریخی آیت الله محمد صدوقی تحت نظر بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان یزد، کتاب ۴: ۲۴۲ و ۲۵۵). از این رو روحانیان سیاسی مطرح یزدی در این دوران کمتر دیده می شوند و اندک روحانیونی که در این عرصه وارد می شدند نیز از طرف حکومت پهلوی با برچسب روحانیون افراطی تحت نظر قرار می گرفتند که در همین راستا، در کنار آیت الله شیخ محمد صدوقی، می توان از آیت الله سید روح الله خاتمی و آیت الله شیخ محمدابراهیم اعرافی نام برد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان یزد، کتاب ۴، ص ۲۸۲). در نتیجه بسیاری از مطالبات دینی از این طریق فرصت مطرح شدن پیدا نمی کرد.

۲-۲-۲. تجّار، اشراف و ملاکین

علاوه بر تجّاری که به امر تجارت مشغول، و اغلب دارای املاک و آبادی های زیادی بودند، رواج کارخانه های صنعتی، برخی خاندان های ثروتمند و ملّاک به وجود آورده بود که علاوه بر اینکه در امور اقتصادی شهر نقش داشتند، در مسائل سیاسی نیز بسیار مهم و تأثیرگذار بودند. آنها در امور داخلی شهر، انتخابات مجلس شورای ملی، انتخابات انجمن شهر و... دخالت داشتند. نمونه آن، دخالت کارفرمایان کارخانجات یزد در انتخابات جنجال برانگیز دوره هشتم مجلس شورای ملی بود که در نهایت منجر به پیروزی این گروه در انتخابات شد (عابدی اردکانی و میرحسینی، ۱۳۹۸: ۳۰۴).

این قشر از جامعه هرچند از نظر جمعیتی اقلیت ده درصدی را تشکیل می دادند؛ اما مالکیت اکثر آبادی های یزد، قنوات و زمین های زراعی و سهام کارخانجات را دارا بودند. این خاندان ها با مقامات بلند پایه کشوری ارتباط داشتند. هرگاه آنان قصد اقدام به کاری داشتند، حامیان آنها در

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۱۱

یزد اوامرشان را اجرا می کردند (همان: ۳۰۵). ثروت همواره یک تیغ دو لبه بوده؛ و همان طور که امکان استفاده آن در راه ارتقای فرهنگ دینی ممکن بوده امکان استفاده از آن در جهت مخالف فرهنگ دینی نیز امکان داشته است، اما آنچه به تجربه رسیده این است که ثروتمندانی که در تقابل با فرهنگ دینی قرار گرفته اند همواره بیشتر از ثروتمندانی بوده اند که در جهت ارتقای فرهنگ دینی گام برداشته اند. از این رو این قشر جامعه آن روز یزد نیز مانعی بر سر فرهنگ دینی به شمار می رفتند به ویژه آنکه در امور داخلی شهر مانند انتخابات مجلس شورای ملی، انتخابات انجمن شهر و غیره نیز دخالت داشتند که با حکومت مرکزی در ارتباط مستقیم بود.

۲-۳-۲. تحصیل کردگان

رونق و گسترش مدارس در عصر پهلوی دوم، اعم از دولتی و ملی و تمایل افراد به فراگیری دانش در این دوره سبب شد تا بر تعداد افراد تحصیل کرده در یزد افزوده شود. این گروه از جامعه، بیشتر عهده دار امور دولتی بودند و مشاغلی مانند دبیری، طبابت، روزنامه نگاری و... را برعهده داشتند و نسبت به قشر ثروتمند، کمتر در امور سیاسی دخالت می کردند (دهقان، ۱۴۰۰، مصاحبه شخصی). یزد در دوره محمدرضا شاه پهلوی زیر سیطره چندین خانواده ای متنفذ محلی بوده است. هرچند آنان از نظر جمعیت در اقلیت بودند ولی از نظر مالکیت اموال منقول و غیرمنقول و دخالت در امور سیاسی و اجتماعی شهر بیشترین سهم را دارا بودند. آنها به دلیل داشتن ثروت، نه تنها در تحولات اقتصادی بلکه در امور سیاسی و اجتماعی این خاک و بوم تأثیرگذار بودند؛ علاوه بر اینکه مالک کارخانجات و املاک و آبادی های بسیار بودند، نمایندگی دوره های مختلف مجلس شورای ملی را برعهده داشتند؛ و هرگاه خود شخصاً این وکالت را برعهده نمی گرفتند افراد حامی و مورد تأیید خود را به مجلس معرفی می کردند. بررسی انتخابات های مجلس شورای ملی این امر را اثبات می کند به عنوان مثال هادی طاهری و سید کاظم جلیلی بیش از ده دوره نماینده یزد در مجلس بودند (خبیری، ۱۳۹۴: ۲۲). در مقابل این

گروه قلیل، اکثریت مردم در فقر به سر می‌بردند. آنان یا به‌عنوان کارگر در کارخانه‌ها مشغول به کار بودند یا در بازار، زیر دست همین ثروتمندان امرارمعاش می‌کردند. وابستگی اقتصادی این قشر به ثروتمندان سبب شده بود تا آنان زیر سیطره قدرت باشند و در برخی مواقع قدرت تصمیم‌گیری نداشته باشند. برای نمونه در انتخابات مجلس یا انجمن شهر، صاحبان کارخانه‌ها، کارگران خود را تحت فشار قرار می‌دادند که به طرفداران آنان رأی بدهند (دهقان، ۱۴۰۰، مصاحبه شخصی).

در کنار این گروه، دو قشر تحصیل‌کرده روشنفکران و روحانیون بودند که از نظر اقتصادی مستقل بودند و معمولاً محتاج به ثروتمندان نبودند. همین استقلال اقتصادی سبب شده بود تا به‌راحتی در مخالفت با افکار و کارهای ثروتمندان بایستند و همواره در جناح مخالف آنها باشند (خبیری، ۱۳۹۴: ۲۲). بنابراین امید به دو قشر در جهت اصلاح امور و ارتقای فرهنگ دینی بیشتر بود هرچند همان‌طور که گذشت روحانیان سیاسی مطرحی در این دوران مشاهده نمی‌شود و روشنفکران نیز از این جهت در صورتی مفید بودند که گرایش دینی می‌داشتند که البته بسیاری از آنان چنین نبودند.

۲-۲-۴. عامه مردم

این قشر جامعه هرچند از جهت دخالت در امور شهری کمترین فعالیت را داشتند؛ ولی از نظر جمعیت بیشترین آمار را داشتند. قبل از اینکه به این قشر از جامعه پرداخته شود باید این نکته را متذکر شد؛ یکی از مسائلی که مردم یزد با آن دست‌به‌گریبان بوده و همواره درصدد رفع آن برآمدند، مشکل کمبود آب در این منطقه است. این ماده حیاتی در بسیاری از شئون زندگی مردم مانند نحوه زندگی و امرارمعاش تأثیر بسزایی داشت. کمبود آب در یزد سبب شده بود تا مردم به زندگی شهرنشینی و مشاغل شهری روی آورند. بیشتر آنها با کمترین چشم‌داشت به‌عنوان کارگر در کارخانه‌های نساجی، شعربافی و جوراب‌بافی مشغول به کار شدند، هشتاد در

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۱۳

صد سکنه شهر یزد را نساجان بی بضاعت و کاربافان کارگاه‌های بافندگی دستی و کارهای وابسته به نساجی تشکیل می‌دادند. این گروه حتی از نعمت آب‌وهوای سالم محروم بودند، حتی خوراک این طبقه محروم و ستم‌دیده منحصر به نان جو خالی بوده است علاوه بر کارگران کارخانه‌ها، عده‌ای دیگر از مردم یزد در بازار به‌عنوان فروشنده یا شاگرد مشغول به فعالیت بودند. از مشاغل بازاری مهم آن دوره می‌توان از علافی، نمدمالی، نانوا، ریسمن و نخ فروشی و شعربافی نام برد. این قشر سازگاری قابل توجهی با فرهنگ دینی داشتند. (روزنامه ملک ۱۳۳۰/۴/۱۱، س ۲، ش ۵۴، ص ۱). به گواهی اسناد تاریخی عامه مردم، در اواخر دوران پهلوی دوم، در بین طرفداران آیت‌الله خمینی از تعداد قابل توجهی برخوردار بودند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان یزد، کتاب ۴، ص ۴۷۰)

۲-۳. انجمن ادبی یزد

در عصر پهلوی سه انجمن ادبی در یزد شکل گرفت. اولین انجمن ادبی در سال ۱۳۱۵ به ریاست محمود فرساد تشکیل شد. دومین انجمن در اداره فرهنگ و هنر دایر شد و مسئولیت آن در ابتدا برعهده سرهنگ احمد اشتری بود. سومین انجمن ادبی یزد، انجمن ادبی کتابخانه وزیری بود که شالوده آن در سال ۱۳۴۹ توسط حاج سیدمحمدعلی وزیری ریخته شد.

در ۱۷ آبان ۱۳۱۵ مهدی راد سرشت، رئیس اداره فرهنگ با دعوت از گروهی از شعرا و ادبای یزدی، انجمن ادبی را در یزد بنیان نهاد. آیتی درباره نحوه تشکیل این انجمن می‌نویسد: در سال ۱۳۱۵ آقای محمد مهدی راد سرشت، رئیس فرهنگ جمعی از ادبای یزد را صدا زده و دعوت به تأسیس انجمن ادبی کرد. آقای فرساد در به روی همگی گشود، انجمن در سرای ایشان تشکیل شد و اینک سال سیم است که منظمآ انجمن نامبرده تحت ریاست آقای فرساد دایر است» (آیتی، ۱۳۱۷: ۴۳۳).

اعضای هیئت‌رئیس این انجمن را محمود فرساد، عبدالحسین آیتی و غلامرضا مرشد تشکیل دادند. اعضای انجمن، آقایان سیدعلی محمد وزیری، شیخ محمود فرساد، سیدعلی افصح‌زاده،

سیدحسن شکوهی، سیدمحمدرضا امامیان، عبدالحسینی میبدی، غلامرضا مرشد و عبدالحسین آیتی بودند. جلسات انجمن تا سال ۱۳۲۷ به صورت پیوسته تحت ریاست شیخ محمود فرساد در منزل او برگزار می‌شد. از سال ۱۳۲۷ جلسات انجمن در منزل سیدحسن شکوهی برگزار شد. این جلسات از سال ۱۳۳۳ پس از فوت شکوهی به صورت دوره‌ای در خانه شاعران و شعر دوستان و به ریاست محمدعلی عالمی برگزار می‌شد. این محفل ادبی تا سال ۱۳۵۷ همچنان ادامه داشت (قلم سیاه، ۱۳۷۱: ۴۹۸).

شیوه کار انجمن آن بود که شاعران سروده‌های خود را می‌خواندند و رئیس و اعضای انجمن درباره آن اظهارات خود را بیان می‌کردند. هرچند اعضای این انجمن ادبی هیچ‌گاه در امور سیاسی یزد دخالتی نداشتند و در حمایت از جناح خاصی اطلاعیه‌ای صادر نکردند، اما نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌توجه نبودند و گاهی به مناسبت حوادث سیاسی کشور اشعاری می‌سرودند. این انجمن بیش از ۴۰ سال پابرجا بود و مرکز مهمی برای شعر و ادب یزد بود. حاصل این انجمن، نگارش تاریخ یزد توسط عبدالحسین آیتی بود (همان: ۵۰۲-۵۰۰). انجمن ادبی کتابخانه وزیری توسط حجت‌الاسلام وزیری که خود از اعضای انجمن ادبی یزد بود، بنیان‌گذاری شد. در سال ۱۳۴۹ در اندیشه بنیان انجمن، اتفاقی تازه افتاد و پس از آن که پیشنهاد تشکیل انجمن ادبی کتابخانه وزیری از سوی دکتر احمدعلی رجایی بخارایی، استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد و مدیرکل امور فرهنگی آستان قدس مطرح شد، حجت‌الاسلام وزیری با جدیت به بنیان آن همت گذاشت تا اینکه در سال ۱۳۵۰ شمسی با حضور دکتر رجایی، انجمن ادبی کتابخانه به طور رسمی آغاز به کار کرد. ریاست آن را خود حجت‌الاسلام وزیری به عهده گرفت و از ابتدا تاکنون به ریاست آقایان حجت‌الاسلام وزیری از سال ۱۳۵۰ تا اسفند ۱۳۵۵ و غلامرضا مرشد از اردیبهشت سال ۱۳۵۶ تا دی‌ماه ۱۳۶۷ و محمدرضا مشکیان از دی‌ماه ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷، حسین ملک‌زاده از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴ و دکتر سیدمحمود الهام‌بخش از سال ۱۳۹۵

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۱۵

تاکنون به کار خود ادامه می‌دهد. جلسات شعرخوانی و نقد و بررسی اشعار با حضور ادیبان و شاعران یزد، بین ۳۰ تا ۵۰ نفر در شب‌های یکشنبه در محله کتابخانه وزیری تشکیل می‌شود و نقش ویژه‌ای در شکوفایی شعر و ادب یزد داشته است (مسرت، ۱۳۹۸: ۱/ ۳۴۶). از آنجا که زبان شعر، زبانی گویا بوده و هست؛ و از آنجا که اعضای انجمن ادبی اگرچه هیچ‌گاه در امور سیاسی یزد دخالتی نداشتند و در حمایت از جناح خاصی اطلاعیه‌ای صادر نکردند، اما چون نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌توجه نبوده و هرازگاهی به مناسبت حوادث سیاسی کشور اشعاری می‌سرودند، می‌توان نقش آنها را در حفظ فرهنگ دینی مردم یزد مثبت دانست.

۲-۴. دیانت

حتی پیش از اسلام، سرزمین یزد مکانی مقدس برای گردآمدن مردمان دین‌دار بوده است که از گوشه و کنار ایران به این سرزمین خدایی کوچ می‌کردند تا به نیایش یزدان پاک بپردازند. نام یزد برگرفته از همین اعتبار است. بعدها در سده ششم هجری قمری عنوان دارالعباده قرین نام دیگر یزد شد. در این سرزمین خدایی، پیروان هر دو دین زرتشتی و اسلام، صدها سال است به‌خوبی و با سازگاری در کنار هم زندگی می‌کنند. هرکدام از آیین‌ها و آداب ویژه‌ای برخوردار هستند با این تذکر که برخی از آداب مسلمانان یزد، ریشه در گذشته تاریخی این سرزمین دارد و برخی نیز همان سنت پیروان زرتشتی است که رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است (آذریزدی و مسرت، ۱۳۹۸: ۱/ ۵۰۹). بنابراین اقبال عمومی مردم یزد به دین، چه دین اسلام و چه دین زرتشت، یک سدّ مستحکم در برابر تغییرات موردنظر حکومت مرکزی برای تأثیرگذاری بروی فرهنگ دینی به شمار می‌رفت.

۲-۵. هنر

هنر، برترین وسیله برای انتقال فرهنگ و آداب‌ورسوم یک ملت است. شهر یزد با قدمت و اصالتی که از دیرباز دارد، با توجه به شرایط خاص اقلیمی و آب و هوایی از مظاهر هنری متفاوت و خلاقانه بهره‌مند شده است که لازمه اصلی این نوآوری‌ها، دقتی بودن، داشتن ظرافت،

تفکر و هوش فراوان است که توانسته‌اند به واسطه آنها، هنر، فرهنگ و تمدن بی‌نظیری را در قلب بیابان بسازند و اصالت خود را حفظ کنند و کمتر دستخوش تغییرات فرهنگی رژیم پهلوی شوند. مردمان شهر یزد که از زمان‌های بسیار دور به مردمانی هنرمند شهرت داشتند و در این زمینه شاهکارهایی از خود به یادگار گذاشته‌اند که اکنون پس از گذر قرن‌ها، هنوز هم خیره‌کننده چشم‌ها و تحسین‌برانگیز همگان است. درواقع هنر اصیل مردمان این سرزمین سدی محکم در برابر انجام تحولات موردنظر پهلوی دوم برای ایجاد تغییرات اساسی در شیوه زندگی مردم این سرزمین بود که در اینجا به برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های آن اشاره می‌شود.

۲-۵-۱. موسیقی

اگر شهر یزد را کلاسی فرض کنیم که در آن دروس مختلف تدریس می‌شد و عناوین درسی مختلف در آن باشد، موسیقی و خوانندگی به‌هیچ‌وجه در برنامه آن گنجانده نشده بود. اصولاً مردم توجهی به موسیقی و خوانندگی نداشتند و معمولاً هم زمینه‌ای نداشت. یزد بعد از دوران رضاشاه به دارالعباده مشهور بود. افرادی هم بودند که از هیچ‌چیزی روی گردان نبودند، ولی ظاهر را حفظ می‌کردند. به‌طور کلی، ساز و ضرب بین یزدی‌ها، چه زن، مرد و دختر و پسر، جایگاهی نداشت. تعداد انگشت‌شماری به خوانندگی و تارزدن علاقه داشتند. ازجمله خوانندگان آن زمان: آقای اکبر حسین آحمد و یدالله حدت و... بودند حتی یک زن یزدی در آن زمان خواننده نبود (گلشن یزدی، ۱۳۸۴: ۳۸۰-۳۸۱).

۲-۵-۲. تئاتر

پیشینه تئاتر در یزد به اجرای بازی‌های محلی در این خطه برمی‌گردد. این بازی‌ها به‌وسیله نقاره‌چی‌ها به اجرا درمی‌آمد. گاهی نقاره‌چی‌ها برای مراسم عروسی یا تولد نوزاد دعوت می‌شدند و بازی‌های مختلف انجام می‌دادند. آنها برای کسب درآمد گاهی به روستاهای اطراف نیز می‌رفتند. (شریعتی، ۱۳۷۱: ۵۰۵/۱).

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی.....۴۱۷

با تأسیس مدارس جدید و گسترش آنها، رفته رفته تئاتر به سبک نوین و اروپایی وارد ایران و به خصوص مدارس شد. در یزد به دلیل روابط زرتشتیان با هند، ابتدا تئاتر در مدارس زرتشتی ها اجرا شد مانند مدرسه مارکار و کیخسروی. این کار باعث شد کم کم تئاتر در سایر مدارس رونق بگیرد. کار تئاتر در یزد به صورت جدی در سال ۱۳۱۵ شمسی به همت زنده یاد علی اکبر شریعتی و علی خان وزیری آغاز شد (آذر یزدی و مسرت، ۱۳۸۹: ۵۸).

۲-۵-۳. سینما

از دیگر نمادهای فرهنگی در هر جامعه، سینما و توجه به آن است. در آن سال ها، سینما از کارآمدترین ابزار انتقال فرهنگ بود و بسته به اهداف متولیان، می توانست نقش مثبت یا منفی ایفا کند. پیش از اینکه سینما در یزد دایر شود، گاهی مواقع میسیونرهای خارجی یا مسئولان کنسولگری انگلیسی در یزد فیلم های آموزشی یا تفریحی به نمایش می گذاشتند و از خانواده های سرشناس برای دیدن فیلم با نامه ای رسمی دعوت به عمل می آوردند. این عمل سبب شد که طبقه متنفذ یزدی به اهمیت سینما پی ببرند. بعدها مسئولان مدارس کیخسروی و مارکار از طریق رابطان خود در هند، فیلم های آموزشی می آوردند و برای اولیای دانش آموزان نمایش می دادند. همچنین از سوی اداره معارف و اوقاف، فیلم های آموزشی در ادارات و سالن های مدارس نمایش داده می شد. بدین ترتیب اخبار فیلم و سینما در میان مردم پخش شد و بسیاری را به دیدن فیلم راغب ساخت (عابدی اردکانی و میرحسینی، ۱۳۸۷: ۴۰۷).

اولین سینمای یزد در سال ۱۳۰۹ به وسیله محمد گلشن تأسیس شد. سالن سینما سقف داشت و یک استاد بنای ماهر یزدی آن را با خشت و آجر ساخته بود؛ چون در آن زمان هنوز استفاده از تیر آهن معمول نبود. ساختمان سینما را با استفاده از چوب کاج به صورت سه طبقه ساخته بودند. اولین فیلم ایرانی که در این سینما به نمایش درآمد، فیلم «دختر لر» بود. بعد از مرحوم گلشن، این سینما تعطیل شد. بعداً قدرت عرفانیان آن را اجاره کرد و به مدیریت داخلی مرحوم «سیدعلی آقا جهادی» راه اندازی شد و بعد از مدتی باز تعطیل شد (جهانفر ۱۳۵۰: ۷۴/۲).

بعدها فردی زرتشتی این ساختمان را اجاره کرد و بدون مشکل به نمایش فیلم پرداخت (گلشن، ۱۳۸۴: ۷۳).

پس از سقوط رضاشاه و گرفتاری‌های مردم به‌خاطر جنگ جهانی دوم، همچنین تعصب شدید مردم نسبت به نمایش فیلم‌هایی که با اعتقادات عامه سازگار نبود، سینما در یزد رونق خود را از دست داد؛ (عابدی اردکانی، میرحسینی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۴) به‌طوری‌که در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰، دیگر سینمایی در یزد ساخته نشد. سینما پارس، تنها سینمای یزد بود که بر اساس اطلاعیه روزنامه صدای یزد، این سینما در اواسط فروردین سال ۱۳۳۲ در یزد افتتاح شد و در همان ماه، رجال مهم شهر را برای تماشای اولین فیلم خود دعوت کرد (صدای یزد ۱۳۳۲/۱/۳۱، ش ۴، ص ۱۲۳، ص ۱).

۲-۵-۴. صنایع دستی

اوج هنر و خلاقیت مردم هر سرزمین در ساخت و تولید صنایع دستی آن نمود دارد؛ یعنی آنچه هنرمند بنابر ذوق و خواسته خود می‌سازد و تولید می‌کند هرچه زیباتر، دلرباتر و هرچه محکم‌تر بهتر. سال‌هاست که بهترین آفریده‌های هنرمندان یزدی، زینت‌بخش کاخ‌های شاهان و خانه‌های ایرانیان بوده است. صنایع دستی بر محور بهره‌گیری هرچه بهتر و بیشتر از مواد اولیه ارزان و بومی و استفاده از نیروی ارزان دست و ابزارهای سنتی ساده و تأثیرگذاری در اقتصاد خانه شکل می‌گرفت. به غیر از قالی‌بافی، شعربافی، سفالگری و بسیاری از هنرها و صنایع دستی کار جنبی افراد خانواده شمرده می‌شدند که در کنار کار اصلی روزانه، به پر کردن اوقات بیکاری و تلاش در جهت بهره‌وری بیشتر صورت می‌گرفت (آذر یزدی و مسرت، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

۲-۵-۵. برگزاری نمایشگاه

در دوران پهلوی دوم چندین نمایشگاه به نام نمایشگاه فرهنگ و هنر در یزد برگزار شد؛ ولی با هدف تغییر فرهنگ و ترویج بی‌حیایی. این نمایشگاه‌ها عبارت بودند از:

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی.....۴۱۹

۱. نمایشگاه عکس خاندان جلیل سلطنت در اداره فرهنگ و هنر سال ۱۳۴۸؛
 ۲. نمایشگاه کتاب در کتابخانه ششم بهمن سال ۱۳۴۹؛
 ۳. نمایشگاه عکس در اداره فرهنگ و هنر سال ۱۳۴۹؛
 ۴. نمایشگاهی عکس در سالن راه آهن سال ۱۳۵۰؛
 ۵. نمایشگاه کارهای دستی دختران در سالن هنرستان دختران سال ۱۳۵۰؛
 ۶. نمایشگاه کتاب در ششم بهمن سال ۱۳۵۰؛
 ۷. نمایشگاه عکس در اداره فرهنگ و هنر سال ۱۳۵۰؛
 ۸. نمایشگاه کتابهای خطی در کتابخانه عمومی وزیری سال ۱۳۵۰؛
 ۹. نمایشگاه عکس در خانه فرهنگ شماره ۱ سال ۱۳۵۱؛
 ۱۰. نمایشگاه کتاب در کتابخانه شرف الدین علی ۱۳۵۱؛
 ۱۱. نمایشگاه کارهای دستی توسط هنرجویان دختران در سالن هنرستانی دختران سال ۱۳۵۱؛
 ۱۲. نمایشگاه کارهای دستی خانه فرهنگ روستایی در خانه فرهنگ شماره یک سال ۱۳۵۱؛
 ۱۳. نمایشگاه کتابهای خطی در کتابخانه عمومی وزیری سال ۱۳۵۱.
- برای برگزاری این نمایشگاه هزینه و وقت زیادی صرف شد؛ ولی مردم متدین یزد، از این نمایشگاه‌ها آن‌طور که رژیم می‌خواست، استقبال نکردند. (یزدی، ۱۳۵۱: ۱۳۲).

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۲-۶. مراکز آموزشی و تحصیلی
- در عصر پهلوی پیش از ایجاد مدارس جدید، مکتب‌خانه‌ها و سپس حوزه‌های علمیه مراکز عمده تعلیم و تربیت به شمار می‌آمدند. علما و روحانیون عهده‌دار این مسئولیت بودند. مدارس جدید ابتدا از سوی اروپایی‌ها در ایران ایجاد شد. سپس افراد ثروتمند با انگیزه‌های گوناگون بدون حمایت دولت به ایجاد مدارس اقدام کردند. مدارس ملی که به این ترتیب به وجود آمد دارای برنامه‌ها و سازمان ثابتی نبود. مدیر و مؤسس مدرسه برحسب ذوق و سلیقه خود اطلاعاتی که از

مراکز جدید به دست آورده بود و معلمانی که پیدا می‌کرد اتاق‌هایی را دایر می‌کرد و موادی را می‌آموخت (الماسی، ۱۳۷۱: ۴۳۲). مدارس دوره پهلوی به دو دسته تقسیم می‌شد: ۱. مدارس رسمی؛ ۲. مدارس غیررسمی. مدارس رسمی، مدرسی بود که از سوی دولت و از وجوه عمومی، تأسیس و نگهداری و حمایت می‌شد. مدارس غیررسمی، مدرسی بود که بانی مخصوص داشت و مخارج آن از محل هدایا و موقوفات شهری محصلان و دانش‌آموزان تأمین می‌شد. مدارس غیررسمی شامل مکتب‌خانه‌ها، مدارس خصوصی و مدارس علوم دینی بود. لازم به ذکر است هرچند که در قانون، تحصیلات رایگان بود اما تا مدت‌ها دبستان‌ها به روش دبیرستان‌های دولتی از دانش‌آموزان شهریه می‌گرفتند. البته بعضی از گروه‌ها و طبقات از پرداخت شهریه معاف بودند. بعد از برکناری رضاشاه، مجلس در سال ۱۳۲۲ قانونی تصویب کرد که به موجب آن، اجرای تعلیمات ابتدایی به صورت اجباری و قانونی درآمد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی، بی‌تا: ۲۱۶). دهه اول پس از سقوط رضاشاه، یزد از نظر تعداد مدارس افول کرد؛ زیرا حدود پنج سال جنگ و قحطی و اشغال ایران، به دولت فرصت نداد در امور فرهنگی هزینه کند. سال‌های پایانی دهه بیست هم به دلیل آنکه یزد جزو استان دهم کشور به مرکزیت اصفهان بود، اولیای امور فرهنگی استان دهم، یزد را هم‌ردیف شهرهای نجف‌آباد، نائین و اردستان در نظر می‌گرفتند و نسبت به جمعیت، بودجه و امکانات کافی در اختیارشان نمی‌گذاشتند. لذا نه تنها مدارس از نظر کمیت و تعداد رشد نکردند بلکه بعضی از آنها تعطیل شدند. دبستان‌های پسران یزد در سال تحصیلی ۱۳۳۳-۱۳۳۲ دوازده باب بوده است که عبارت است از: ۱. دبستان انوشیروان؛ ۲. دبستان بدر؛ ۳. دبستان نوینیاد؛ ۴. دبستان حکمت؛ ۵. دبستان دکتر طاهری؛ ۶. دبستان هدایت؛ ۷. دبستان هاشمی؛ ۸. دبستان واعظ ماله میری؛ ۹. دبستان نمونه فرهنگیان؛ ۱۰. دبستان صدیق؛ ۱۱. دبستان سعدی؛ ۱۲. دبستان سعادت (عابدی اردکانی، میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۷۷). اما تعداد

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۲۱

دبیرستان‌های دولتی اوایل دهه ۱۳۳۰، بیش از تعداد دبیرستان‌های اواخر دوره رضاشاه بودند. در سال تحصیلی ۱۳۳۳-۱۳۳۲ دبیرستان‌های یزد بدین قرار بود:

۱. دبیرستان ایرانشهر؛ ۲. دبیرستان شیخداد؛ ۳. دبیرستان وقت الساعت؛ ۴. دبیرستان اشرف پهلوی؛ ۵. دبیرستان شاه‌دخت.

جالب اینکه در دوره حکومت رضاشاه، دبستان‌های ملی کاهش یافت؛ چون از سویی منافع اوقاف در اختیار دولت قرار نگرفت و از سوی دیگر خیرینی که به قصد قربت و خدمت به خلق مدرسه می‌ساختند در این زمان مدارس نمی‌ساختند. اما در دهه ۱۳۲۰ بر تعداد آنها افزوده شد. دبستان‌های ملی فعال در یزد در سال تحصیلی ۱۳۳۳-۱۳۳۲ پنج باب بوده است:

۱. دبستان اسلام؛ ۲. دبستان اتحاد؛ ۳. دبستان تدین؛ ۴. دبستان خسروی؛ ۵. دبستان طاهری.

نکته درخور توجه درباره تحصیل دختران این است که خانواده‌های یزدی تا قبل از دهه ۱۳۳۰ در برابر تحصیل دخترانشان دیدگاه خوبی نداشتند و از آن استقبال نمی‌کردند. دلیل این کار شاید آن باشد که در برخی از مدارس دوره ابتدایی زمان رضاشاه، پسر و دختر مختلط بودند و خانواده‌های مذهبی این مسئله را نمی‌پسندیدند. بعد مسافت هم به یقین از دلایل دیگر بوده است. اما ایجاد مدارس در محله‌های پرجمعیت و به تفکیک دختر و پسر، پس از شهریور ۱۳۲۰ به بعد در توسعه مدارس دخترانه تأثیر داشته است. از دبستان‌های دخترانه فعال در آغاز دهه ۱۳۳۰ می‌توان به دبستان‌های زیر اشاره کرد:

۱. دبستان اشرف پهلوی؛ ۲. دبستان اتحاد؛ ۳. دبستان ایران‌دخت؛ ۴. دبستان شاه‌دخت؛ ۵. دبستان شمس؛ ۶. دبستان شیخداد؛ ۷. دبستان محله لب خندق؛ ۸. دبستان هفده دی؛ ۹. دبستان همت (عابدی اردکانی و میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۷۲-۳۸۷).

با توجه به کمبود مدارس و محدود بودن بودجه دولت در توسعه مدارس یزد، فرهنگیان یزد در اقدامی خیرخواهانه و با هزینه خود، مدرسه‌ای تأسیس کردند که در گزارش سالنامه فرهنگ یزد چنین آمده است: «در سال ۱۳۲۷ دبستانی که به کمک معلمان شهرستان ساخته شده بود به

بهره‌برداری رسید و به نام دبستان نمونه فرهنگیان نام‌گذاری شد. زمین این دبستان توسط افراد خیر به اداره فرهنگ واگذار شد» (معصوم‌خانی، ۱۳۲۸: ۱۷).

از اقدامات مفید اداره فرهنگ یزد در دهه ۱۳۳۰، ساخت و توسعه مدارس حومه و روستاها و شهرهای تابع یزد بود.

با این که شهر یزد دارای غنای تاریخی و فرهنگی در طول تاریخ است، پس از مشروطه تا ۱۳۵۰ ش، مرکزی برای آموزش عالی نداشت؛ البته آموزشگاه‌های کهنی وجود داشت از جمله: دبیرستان کیخسروی (تأسیس در ۱۲۶۷ ه.ش)، دبیرستان مارکار (تأسیس ۱۳۱۳ ش)، دبیرستان ایرانشهر (تأسیس در ۱۳۱۶ ش) و دانش‌سرای مقدماتی دختران و پسران. قانون تأسیس دانشگاه در شهرستان‌ها در سال ۱۳۲۸ ش از تصویب گذشته بود؛ اما تا سال ۱۳۵۰ ش که دانش‌سرای راهنمایی یزد آغاز به کار کرد، در یزد هنوز دانشگاهی وجود نداشت (مسرت، ۱۳۹۸: ج ۱، ۳۶). این مسئله از جهتی بار منفی داشت و باعث شده بوده افراد طالب تحصیلات عالی مجبور شوند به خارج از استان مهاجرت کنند اما از طرف دیگر در حفظ فرهنگ دینی و سنتی یزد مؤثر بوده است زیرا دانشگاه‌ها در ایران برخلاف حوزه‌های علمیه، با الگوگیری از مراکز آموزش عالی غربی شروع به کار کردند و به‌طور طبیعی در بسیاری از موارد با فرهنگ دینی تعارض داشتند همان‌طور که این امر در شیوع مدارس جدید در یزد نیز قابل‌رؤیت بود و مدارس جدید برخلاف مکتب‌خانه‌ها نه تنها نقش قابل‌توجهی در ارائه فرهنگ دینی نداشتند بلکه در بسیاری از موارد در تعارض با فرهنگ دینی بودند. بنابراین ایجاد مراکز تحصیلی و آموزشی جدید به‌طور کلی به فرهنگ دینی و سنتی مردم یزد آسیب وارد کرد و اراده‌ای در کار نبوده تا نقاط مثبت آن‌ها اخذ و نقاط منفی آن‌ها دفع گردد.

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۲۳

از مقوله‌های مهم مرتبط با فرهنگ هر جامعه آثار مکتوب به‌جامانده از ادبیات و به‌عبارتی فرهنگ مکتوب آن کشور است. درواقع ادبیات هر کشوری، یکی از بارزترین میراث‌های فرهنگی آن کشور است که ترویج و اشاعه آن می‌تواند نقش مؤثرتری در ترویج فرهنگ کتابخوانی آن جامعه داشته باشد. این آثار و آثاری دیگر در موضوعات مختلف در کتابخانه‌ها حفظ، سازمان‌دهی و اشاعه می‌شوند. از دیرباز گفته‌اند که کتابخانه جزو مراکز فرهنگی است و دارای دو وجه فرهنگی و اطلاعاتی است. شهر یزد با میراث فرهنگی غنی و مردم دانش‌دوست، دارای کتابخانه‌های متعدد با قدمت و سابقه‌ای طولانی است که نشان‌دهنده سطح دانش و علم مردم این دیار است. بنابراین با توجه به غنای میراث مکتوب فرهنگ دینی می‌توان گفت وجود کتابخانه‌های متعدد و قدیمی در شهر یزد یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی در تقویت فرهنگ دینی و سنتی مردم یزد بوده است.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین کتابخانه‌ها اشاره می‌شود.

۲-۷-۱. کتابخانه عمومی شرف‌الدین علی یزدی

اولین کتابخانه عمومی یزد، با تلاش انجمن فارغ‌التحصیلان دانش‌سرای مقدماتی در پنجم اردیبهشت ۱۳۶۷ تأسیس شد؛ زمانی که هنوز کتابخانه عمومی در یزد وجود نداشت. این کتابخانه برای استفاده همگان، در طبقه فوقانی ساختمانی در جنب مسجد مصلاهی صفدرخان واقع در خیابان شاه بود. احمد پرورش، سید ابوالقاسم آیت‌اللهی و محمدصادق خلدی از مؤسسان آن بودند و به دست کاظم معصوم‌خانی رئیس فرهنگ وقت افتتاح شد (انتظاری، ۱۴۰۰، مصاحبه شخصی).

پس از تأسیس کتابخانه، انجمن به گردآوری کتاب پرداخت و با تمام صاحبان مطبوعات و رجال یزد مکاتبه کرد. در ظرف مدت شش‌ماه، بالغ بر ۶۰۰ مجله و کتاب برای کتابخانه گردآوری کردند. از این تعداد، ۱۶۷ جلد کتاب از وزارت فرهنگ و بقیه از طرف ۵۴ نفر از اشخاص فرهنگ‌دوست اهدا شده بود. سرپرستی کتابخانه به عهده احمد پرورش و مدیریت

داخلی آن به محمدصادق خلدی محول شد. کتابخانه حدود دو سال در آن محل دایر بود؛ ولی چون انجمن فارغ‌التحصیلان قادر به پرداخت هزینه‌های آن نبود، در اردیبهشت ۱۳۲۹ کتابخانه به ساختمان جدید واقع در جوار مزار شرف‌الدین علی در خیابان پهلوی و در مجاورت معروف‌ترین میدان شهر (میدان امیرچخماق) منتقل شد. ساختمان جدید کتابخانه، به‌اهتمام حسین کوراولی و اعتباری که از طرف کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی اقبال هراتی درخشان تأمین شده بود، ساخته شد. کلیه کتب و وسایل به محل جدید انتقال یافت و مستقیماً تحت نظارت اداره فرهنگ درآمد.

برای بزرگداشت نام شرف‌الدین علی یزدی، شاعر و محقق مورخ دوره تیموری، به کتابخانه عمومی شرف‌الدین علی اشتهار یافت. تا قبل از به اجرا گذاشتن قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی، این کتابخانه زیر نظر شورای شش نفره اداره می‌شد: مهدی طاهری، حسن بقایی، محمدصادق خلیلی، احمد پرورش، سیدحسین حیدری و محمدعلی صالحی (راستی و خلیلی، ۲۵۳۵: ص ۳۵).

۲-۷-۲. کتابخانه وزیری

این کتابخانه در سال ۱۳۳۴ش در دهلیز شمالی مسجد جامع کبیر یزد با ۱۶۰۰ جلد کتاب خطی و چاپی جهت استفاده طلاب علوم دینی راه‌اندازی شد. مؤسس کتابخانه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدعلی محمد وزیری یزدی بود. او با نفوذی که در گروه‌های اجتماعی و فرهنگی یزد داشت، تمام همت خود را برای جمع‌آوری کتب خطی و چاپی به کار گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۴ به کمک محمد هراتی یزدی که یکی از بازرگانان مشهور یزد بود، ساختمانی با زیربنای ششصد مترمربع بنا شد. همچنین در سال ۱۳۴۸ به همت حسین بشارت، گنجینه کتب خطی به فضای قبلی کتابخانه افزوده شد. سرانجام این کتابخانه در سال ۱۳۴۸ با

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی.....۴۲۵

۳۳۰۰ نسخه کتاب خطی و ۱۷۹۶۷ نسخه کتاب چاپی، برای آستان قدس رضوی وقف شد (مسرت، ۱۳۹۵: ۲/ ۱۵۵).

۲-۸. وسایل ارتباط جمعی

در زمان مشروطیت، چه در دوران شکل گیری تفکر آن و چه در زمان به بار نشستن و پیروزی آن، که محصول بیداری فکری بود و باعث شد مردم به حقوق اجتماعی خود آگاه شوند، جامعه در حال رشد و مطالبه خواسته‌هایی بود که یا در پرتو آگاهی ایجاد شده بود یا موجب آگاهی دیگران می‌شدند. چنان‌که بیان شد نخستین ابزار ارتباطی نوین، یعنی خط تلگراف در سال ۱۲۹۶ قمری سی سال پیش از مشروطه به یزد رسید (محبوبی اردکانی، ۱۳۹۷: ۲۵۳۷ / ۱). تلگراف‌خانه‌ها با سرمایه‌گذاری خارجی تأسیس شدند و برای اهداف آنها برنامه‌ریزی شده بود؛ اما دست‌کم به‌علت ایجاد ارتباطی سریع و ساده‌تر میان شهرهای ایران با مرکز، در بسیاری از رویدادها مؤثر بوده‌اند. تلگراف‌خانه یزد در انقلاب مشروطه و پس از آن، در انعکاس رفتار اجتماعی و اعتراض‌های مردم نقش کلیدی داشت؛ چنان‌که در مسئله اعتراض به اصل و فرع مالیات، تلگراف‌خانه محل تحصن مردم یزد بود و آنها از این راه، نظرهای خود را به نمایندگان مجلس مخابره می‌کردند (میرحسینی، ۱۳۸۶: ۳۱-۵۶). برای هر کلمه یک ریال باید هزینه پرداخت می‌شد. مکان وسیعی در خیابان امام، ابتدای خیابان مسجد جامع وجود داشت که در دو قسمت پست و تلگراف نامیده می‌شد. ساختمان قدیمی پر عرض و طول بود به‌سمت شمالی آن مربوط به امور تلگراف و با اتاق دستگاه آن به‌سمت جنوبی به‌اصطلاح آن زمان پست‌خانه نامیده می‌شد و کارهای دادوستد و توزیع پست مستقر بود. تمبر پاکت‌های معمولی پنج دینار، یک شاهی و پاکت سفارشی از سه تا پنج ریال محاسبه می‌کردند. بسته‌های امانات تمام کرایه به آن تعلق می‌گرفت و باید یادآور شد که مأمورین توزیع پست و تلگراف افراد وظیفه‌شناس و امین بودند که با احساس مسئولیت وظایف محول را انجام می‌دادند (منشی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۷).

قبل از سال ۱۳۴۶ که تلفن‌های شهر یزد به خود کار تبدیل و با هزار شماره و بعد دوهزار شماره به کار افتاد و در حدود هفت صد تا هشت صد شماره تلفن مغناطیسی ارتباط شهری برقرار بود و با اینکه مبلغ ودیعه برای تبدیل مغناطیسی به خود کار هزار و ششصد تومان از جانب شرکت مخابرات تعیین شده بود با این حال مشترکین در پرداخت آن رغبتی نشان نمی‌دادند. توضیح آنکه ودیعه تلفن خودکار دوهزار و دویست تومان بود که ششصد تومان امتیاز تلفن مغناطیسی کسر می‌کردند و شرط شرکت مخابرات این بود که حداقل باید هزار شماره مشترک جهت تبدیل به خودکار ثبت نام کرده و وجه آن را بپردازند. خلاصه با اقدامات مقامات محلی، مخابرات تأسیس و ساختمان نصب دستگاه‌های مربوطه در خیابان امام که البته نقشه‌نمای آنها وارونه پیاده شده با خرید خانه‌ای قدیمی به اتمام رسید. ناگفته نماند که آبونمان تلفن‌های مغناطیسی با هر میزان کارکرد، ماهی پنج تا شش ریال دریافت می‌شد.

گسترش فن چاپ پس از دوره فتحعلی‌شاه قاجار (محرم ۱۱۸۳-۱۹ جمادی‌الثانی ۱۲۵۰/م ۱۷۶۹- ۲۴ اکتبر ۱۸۳۴) رونقی جدی گرفت. در حدود ۱۲۰۳ ش / ۱۲۳۹ ق چندین چاپخانه در تبریز و تهران مشغول به کار بود. مدت زیادی طول نکشید که فن چاپ و بهره‌برداری از آن به سایر استان‌ها و شهرهای ایران رونق و توسعه پیدا کرد. بعد از تبریز و تهران، در شیراز، اصفهان و یزد چاپخانه دایر شد (مولانا، ۱۳۵۸: ۳۰-۳۲). در نخستین چاپخانه یزد کتابی با عنوان «مجموعه البدایه یا الهدایه» چاپ شد که در سال ۱۲۷۷ قمری یعنی ۲۸ سال پس از ورود صنعت چاپ سنگی به ایران در کارخانه استاد ملا محمد فرزند آخوند ملا حسن در شهر یزد بود. اما نخستین چاپخانه به شیوه جدید را شیخ احمد مدیر سردبیر هفته‌نامه شیرکوه در یزد بنیان گذاشت. این چاپخانه نخست به انجام چاپ ثلاثینی می‌پرداخت. سپس با آوردن ابزارهای چاپ سنگی از اصفهان نشریات یزد را نیز به زیر چاپ سنگی می‌برد چنان‌که فتح‌نامه سردار جنگ، سروده فرخی یزدی هم در این چاپخانه به سال ۱۳۲۸ قمری چاپ شده است (مسرت، ۱۳۹۸: ج ۱، ۵۱۵).

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۲۷

بعدها این چاپخانه هم ابزار حروفی سربی را از تهران خریداری و روزنامه شیرکوه را چاپ می کرد. دیوان واصل یزدی هم در این چاپخانه به صورت سربی چاپ شده است. در سال ۱۳۱۲ با راه اندازی چاپخانه گلبهار تجهیزات سربی به گلبهار فروخته شد و وسایل چاپ سنگی به چاپخانه های کوثر و شهپر منتقل شد. دومین چاپخانه یزد، چاپخانه کوثر بود که شیرکوه هم در آن به چاپ می رسید. پس از آن گسترده ترین چاپخانه را آقای مدرس زاده اصفهانی به نام (بنگاه ایران و گلبهار) بنیان نهاد که نود درصد نشریات یزد در این چاپخانه به چاپ می رسید. این چاپخانه از سال ۱۳۱۲ ش آغاز به کار کرده و همچنان به کار ادامه می دهد. چاپخانه گلبهار کلیه تجهیزات چاپ سربی چاپخانه شیرکوه را خرید و توافق شد حتی روزنامه شیرکوه به صورت رایگان در آنجا چاپ شود. این کار تا سال ۱۳۲۱ ش که شیرکوه توقیف شد، ادامه داشت حتی تمامی کارکنان شیرکوه یک جا به چاپخانه گلبهار منتقل شدند و سال ها شیخ مرتضی مدیر، پسر احمد مدیر در آنجا مشغول به کار بود (همان: ۵۱۱ و ۵۱۲).

کار عمده چاپخانه گلبهار به غیر از چاپ شیرکوه و دیگر نشریات یزد، چاپ هفته نامه گلبهار به سردبیری محمد کیوانفر از سال ۱۳۱۲ تا زمان توقیف در سال ۱۳۱۷ ش بود. در این چاپخانه از آغاز تاکنون کتاب های زیادی به وسیله چاپ سربی چاپ شده است که بنا بر تحقیق و پژوهش آقای منوچهر آراسته به حدود شصت کتاب می رسد که از مهم ترین آن ها می توان از تاریخ یزد اثر عبدالحسین آیتی یزدی، تاریخ یزد اثر احمد طاهری، دیوان قوام الشعرا یزدی وحشی شاعر کویر، اثر احمد ذوالقدر؛ و سالنامه فرهنگ یزد، تاریخ جدید یزد اثر احمد کاتب یزدی نام برد (مسرت، ۱۳۹۵، ج ۱، ۵۱۵).

البته در زمان پهلوی با وجود چاپخانه های متعدد، وضعیت چاپ کتاب مطلوب نبود و در صورت چاپ نیز برخی از کتاب ها جمع آوری می شد. چنان که در اسناد آمده «یک برگ صورت ۲۲۰، چهل کتاب مضره که ضمن بازرسی از کتاب فروشی ها مشاهده و جمع آوری شده به پیوست الصاق می شود». پس از آن زمان، این حرکت به رویه دائمی در ساواک تبدیل شد. «تعداد

بیست و یک جلد کتب جمع آوری شده به انضمام یک برگ لیست کتب مذکور به پیوست ایفاد می شود.» «در بازرسی هایی که از کتاب فروشی های یزد به عمل آمد، تعداد ۲۴۰ کتاب مضره کشف و ضبط شده است» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۳، ص ۳۶). در آن دوران، مطبوعات نیز از هیچ نوع آزادی حتی برای طرح انتقادات سازنده و حقیقی برخوردار نبود و با سیر نزولی از ۵۴۰ نشریه در اواخر سلطنت احمدشاه قاجار (ماهنامه زمان، آبان و آذر ۱۳۹۰، ص ۶۱) و در پایان رژیم پهلوی به ۸۶ نشریه کاهش یافت. به طور متوسط، دو هزار کتاب در سال چاپ می شد که بیشتر آنها از محتوای مناسبی برخوردار نبودند و همچنین در موضوعات مبتذل به چاپ می رسید (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی تا: ۵۲). در عصر پهلوی، سانسور در کتاب و ادبیات به جایی رسید که استفاده از کلماتی مانند شب، سیاهی، سرما، زمستان، گل سرخ، جنگ، پنجره بسته و شقایق ممنوع شد؛ چرا که ادعا داشتند این واژگان در ادبیات انقلابی به کار می رود و خطرناک است. آنها حتی اشعار شاعران را تحریف کردند (روزنامه اعتماد ملی ۵ مهر ۱۳۸۶، ص ۱۰).

به هر حال این وسایل ارتباط جمعی نسبت به فرهنگ دینی کارکرد دوسویه داشت یعنی هم در راه تقویت آن و هم در راه تضعیف آن قابل استفاده بود اما با توجه به سیطره کامل و کنترل حکومت مرکزی بر آنها، می توان گفت تأثیرات منفی آنها بر فرهنگ دینی بیش از تأثیرات مثبت بوده است.

نتیجه گیری

تبعید وضعیت اجتماعی مردم یزد مانند سایر شهرها و سرزمین ها در هر دوره تاریخی، تحت تأثیر سیر تحولات دولت مرکزی و سیاست های اجرایی هر کدام از حکومت ها بوده است هرچند

که به خاطر بافت سنتی و اعتقادات عمیق دینی این تأثیرات کمتر از بسیاری از شهرهای دیگر بوده است. با بررسی مؤلفه‌های فرهنگ اجتماعی مردم یزد در حکومت پهلوی دوم معلوم می‌شود برخی از این مؤلفه‌ها مانند انتخابات از قبل وجود داشته است اما برخی از آن‌ها توسط حکومت پهلوی دوم و به‌منظور تغییرات موردنظر در فرهنگ دینی و سنتی مردم یزد وارد فرهنگ اجتماعی مردم این سرزمین شده است. در انتخابات چون گماشتگان حکومت مرکزی انتخاب می‌شدند به‌طور طبیعی مردم متدین یزد نمی‌توانستند خواسته‌های دینی خود را از طریق نمایندگان مجلس دنبال کنند زیرا حکومت مرکزی با فرهنگ دینی در تضاد بود در جهت تخریب فرهنگ اسلامی گام برمی‌داشت. وجود روحانیون به‌عنوان یکی از طبقات مطرح جامعه اگرچه مغتنم و مطلوب بود با این حال از آنجاکه ورود جدی ایشان در امور سیاسی با محدودیت‌های اساسی مواجه بود بسیاری از مطالبات دینی از طریق روحانیون فرصت مطرح شدن پیدا نمی‌کرد. یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگی انجمن‌های ادبی بود. اعضای انجمن ادبی اگرچه هیچ‌گاه در امور سیاسی یزد دخالتی نداشتند و در حمایت از جناح خاصی اطلاعیه‌ای صادر نکردند، اما چون نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌توجه نبوده و هرازگاهی به مناسبت حوادث سیاسی کشور اشعاری می‌سرودند، می‌توان نقش آنها را در حفظ فرهنگ دینی مردم یزد مثبت دانست. از دیگر مؤلفه‌ها هنر بود. مردمان شهر یزد از زمان‌های بسیار دور به مردمانی هنرمند شهرت داشتند. هنر اصیل مردمان یزد در رشته‌های مختلف به‌ویژه صنایع دستی سدی محکم در برابر انجام تحولات موردنظر پهلوی دوم برای ایجاد تغییرات اساسی در شیوه زندگی مردم این سرزمین بود و به همین جهت مصادیقی مانند موسیقی، تئاتر، سینما و برپایی نمایشگاه‌های متعدد فرهنگی هنری نتوانست بر مردم یزد تأثیرات عمیق منفی بر جای گذارد. ایجاد مراکز آموزش عالی، یکی دیگر از مؤلفه‌های بسیار مهم فرهنگی بود. عدم وجود دانشگاه تا سال ۱۳۵۰ از جهتی بار منفی داشت و باعث شده بوده افراد طالب تحصیلات عالی مجبور شوند به خارج از استان مهاجرت کنند اما از طرف دیگر در حفظ فرهنگ دینی و سنتی یزد مؤثر بوده است زیرا

دانشگاه‌ها در ایران برخلاف حوزه‌های علمیه، با الگوگیری از مراکز آموزش عالی غربی شروع به کار کردند و به‌طور طبیعی در بسیاری از موارد با فرهنگ دینی تعارض داشتند بنابراین ایجاد مراکز تحصیلی و آموزشی جدید به‌طور کلی به فرهنگ دینی و سنتی مردم یزد آسیب وارد کرد و اراده‌ای در کار نبوده تا نقاط مثبت آن‌ها اخذ و نقاط منفی آن‌ها دفع گردد. از دیگر مؤلفه‌های مطرح فرهنگی شهر یزد وجود کتابخانه‌های متعدد با قدمت و سابقه‌ای طولانی است که نشان‌دهنده سطح دانش و علم مردم این دیار است. با توجه به غنای میراث مکتوب فرهنگ دینی می‌توان گفت وجود کتابخانه‌های متعدد و قدیمی در شهر یزد یکی از مؤلفه‌های مهم اجتماعی در تقویت فرهنگ دینی و سنتی مردم یزد بوده است که در این میان کتابخانه عمومی شرف‌الدین علی یزدی و کتابخانه وزیری جایگاه ویژه‌ای داشته است. وسایل ارتباط جمعی نیز یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی بوده است که با توجه به سیطره کامل و کنترل حکومت مرکزی بر آن‌ها، تأثیرات منفی آن‌ها بر فرهنگ دینی بیش از تأثیرات مثبت بوده است. به‌طور کلی می‌توان گفت برخی از مؤلفه‌های مذکور در فرهنگ اجتماعی شهر یزد اگرچه دارای محاسنی بود اما به خاطر با تعارض با فرهنگ دینی و سنتی مردم یزد به آن آسیب زد باین‌حال این مؤلفه‌ها که متأثر از فرهنگ غرب وارد فرهنگ اجتماعی یزد شد هرگز نتوانست رابطه مستحکم مردم متدین یزد را با فرهنگ اصیل دینی و سنتی این دیار قطع کنند.

کتابنامه

الف) اسناد

انقلاب اسلامی به‌روایت اسناد ساواک استان یزد، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات،

۱۳۹۳.

مطبوعات عصر پهلوی به‌روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی‌تا.

وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی.....۴۳۱

ب) کتاب‌ها

- آذر یزدی، مهدی، مسرت، حسین، **یزد سرزمین من ایران**، تهران: مدرسه، ۱۳۸۹.
- آیتی، عبدالحسین، **تاریخ یزد**، یزد: گلبهار، ۱۳۱۷.
- الماسی، علی محمد، **آموزش و پرورش اسلام**، تهران: نشر دانش آموز، ۱۳۷۱.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی (بی تا). **بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب**.
- بصیرت منش، حمید، **علما و رژیم رضاشاه نظری بر عملکرد سیاسی اجتماعی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶.
- جهانفر، غلامرضا، **یزد در آئینه زمان**، یزد، انتشارات غلامرضا جهانفر، ۱۳۵۰.
- خیبری، مهدیه، **یزد در دوره پهلوی اول**، پایان نامه، استاد راهنما: علی اکبر تشکری، ۱۳۹۴.
- راستی، منصور؛ خلیلی، محمد صادق، **کتابخانه‌های عمومی استان یزد در قلمروی پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی**، یزد: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان یزد، ۲۵۳۵.
- زمانیان، محمد، **یزد نگین کویر**، انتشارات ایبانه، ۱۳۸۴.
- شریعتی، علی اکبر، **سرگرمی‌ها و بازی‌ها در یزد**، در **یزد نامه**، گردآورنده ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۷۱.
- عابدی اردکانی، محمد، **انقلاب اسلامی در یزد**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
- عابدی اردکانی، محمد، میرحسینی، محمدحسن، **انقلاب اسلامی در یزد**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- عطاران، فاطمه، **تحولات سیاسی اجتماعی فرهنگی یزد در سال ۱۳۲۰-۱۳۳۲**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده ادبیات، زبان‌های خارجی و تاریخ، گروه تاریخ، ۱۳۹۰.
- قلم‌سیاه، اکبر، **انجمن‌های ادبی یزد**، در **یزد نامه**، گردآورنده ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۷۱.
- گلشن یزدی، جلال، **یزد دیروز**، قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۴.
- محبوبی اردکانی، حسین، **تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ایران**، تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۷.

- مسرت، حسین، *یزد یادگار تاریخ*، ج ۱، تهران: دف، ۱۳۹۵.
- مسرت، حسین، *یزد یادگار تاریخ*، ج ۲، تهران: یزدا، ۱۳۹۸.
- معصوم خانی، کاظم، *سالنامه فرهنگ یزد*، یزد: گلبهار، ۱۳۲۸.
- منشی‌زاده، محمدباقر، *خاطرات و یادداشت‌های پراکنده*، یزد: انتشارات یزد، ۱۳۸۱.
- مولانا، حمید، *سیر ارتباطات اجتماعی*، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸.
- یزدی، منوچهر، *سیمای یزد در نخستین دهه انقلاب*، یزد: انتشارات فرمانداری کل یزد، ۱۳۵۱.

ج) روزنامه

- روزنامه اعتماد ملی ۵ مهر ۱۳۸۶، ص ۱۰، گفت‌وگو با یدالله رویارویی، عضو کانون نویسندگان دوره پهلوی، روایت سانسور.
- روزنامه ملک، ۱۱ تیر ۱۳۳۰، س ۲، ش ۵۴، ص ۱.

و) صدا و سیما

- صدای یزد ۱۳۳۲/۱/۳۱ س ۴، ش ۱۲۳، ص ۱.

د) مقاله

- چراغی، زهره؛ زارع سنگدرازی، صفا، «موقوفات زنان یزد از عصر پهلوی تا عصر حاضر»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، دوره ۶، ش ۲، صص ۱-۳۴، ۱۳۹۶.
- ماهنامه زمانه، ص ۶۱، آبان و آذر ۱۳۹۰.
- میرحسینی، محمدحسن، «سیر تحولات سیاسی و اجتماعی یزد در دوران مشروطه». فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۶۶، ص ۳۱-۵۶، ۱۳۸۶.
- میرنیام، آصفه؛ اصلانی، حسام، «هنر دیوارنگاری شهر یزد و بررسی رویکردهای متفاوت آن»، کتاب ماه هنر، ش ۱۶۸، صص ۳۲-۴۳، ۱۳۹۱.

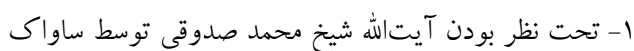
وضعیت مهم ترین عناصر فرهنگ اجتماعی مردم یزد در عصر پهلوی دوم و تأثیرات آن بر فرهنگ دینی..... ۴۳۳

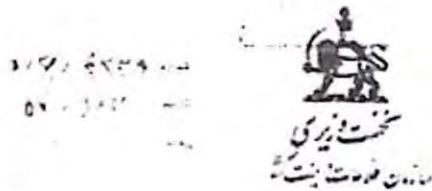
هـ) مصاحبه

مصاحبه با انتظاری، م، یزد، ۱۴۰۰/۱۰/۱۷.

مصاحبه با دهقان، ح، ۱۴۰۰ /۵/ ۱۰.







مقدمه :

کسانی اراده دارند که پس از بهبودی نسبت به ملاقات با اوالد ام خواهند بود و بی ارتباطی با وی از طریق تلخ و رابطه بر صورت اعتبار بر قرار می باشد .

۱- سید روح الله خانی یکی از روحانیان خراز اول شهرستان اردکان

ناخبرده نیز در ماه جاری بنحو کامل محسوس روش خود را تعدیل نموده و با اینکه با شیخ محمد صدوقی قراچه سببی دارد و همیشه از خط مش دی بیرونی می نماید هر چه اظهار نموده شهادت وی از شیخ صدوقی بیشتر جنبه حلق ظاهر داشته و تا چاراست تا حدودی در نهانه روی اقدامات صدوقی باشد در زمینه خنثی سازی اقدامات وی رهبر عشایر اقلیت داخلی این سازمان که اهل اردکان بوده و با وی آشنائی و دوستی قریبی دارد چند مرتبه با وی ملاقات و در جهت مصالح منطقه توجه و ابراهام شده که این ملاقاتها نیز بنحو کامل محسوس در تجدید روی وی موثر بوده است عموماً با شیخ ابراهام میرساند که اقدامات انجام شده در باره و جدیت گرفته که روحانی مذکور ارتباط خود را با چند تن از دبیران اردکان که تحصیلات مذهبی داشته و طرفدار جمعی هستند قطع رابطه و از پیروی آنان خودداری نماید .

۲- شیخ محمد ابراهیم اعرافی معروف به شیخ شوقی ساکن سید

ناخبرده بالا که یکی از روحانیان اعرافی در منطقه سید اردکان می باشد و اکثر در مجالس مذهبی خود اندک زمانی نموده و مجالس نیز در منطقه فرستاده شده که حیوانات اخیر در سید تشکیل داده

آیت الله خانی

۲- تحت نظر بودن آیت الله سید روح الله خاتمی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم اعرافی توسط

ساواک